

# افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد  
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

دوکتور محمد اکبر یوسفی

۱۲ می ۲۰۱۲

## کنفرانس «پیترسبرگ» - بن و افغانستان!

(قسمت ششم)

گزارشات روز اول «اکتوبر» ۲۰۰۱، منبع «بی. بی. سی.»، که بعد از آغاز گزارش در این سلسله به دستم افتاد،

در روز های حتی قبل از آغاز عملیات نظامی به سرکردگی

اضلاع متحده امریکا و متحدان آن در افغانستان، تحت نام

«جنگ» علیه «تروریسم»، در قدم اول به منظور «سرنگونی»

قدرت «طالبان» و ورود ضربه بر «مراکز القاعده»، هم

محتوای خاصی داشته است. با وجود آن که قبل از تدویر

کنفرانس «بن» منتشر شده است، چون متن آن با بحث ها و

شایعات قبلی، در مورد، نقش آینده «پادشاه سابق»، ارتباط



داشته می تواند و بعداً از داخل، «تالار» کنفرانس در قصر «پیترسبرگ - بن»، نیز «راپور» داده شده است، با نشر

همین عکس به ارتباط قسمتی از «پروفایل»: پادشاه سابق، ظاهر شاه» منتشر نموده، در رابطه با گذشته افغانستان، به

خصوص قانون اساسی اول و اعلان «دموکراسی»، بدین متن می نویسد، طوری که در پای عکس هم چنین تذکر می

دهد: « پادشاه سابق حاضر به برگشت به وطن شده است.»

به ادامه در متن گزارش می خوانیم: « در سال ۱۹۶۴، یک قانون اساسی جدید، به منظور انتقال افغانستان، به یک

دموکراسی «مدرن»، با انتخابات آزاد، یک پارلمان، حقوق مدنی، آزادی های اجتماعی و رهائی زنان از وابستگی ها

و قیودات عمومی (emancipation) و حق رأی و انتخابات (universal suffrage) برای آنها، همچنان.

قانون اساسی به مثابه برنامه کاری (blueprint) کشور، از جانب آخرین پادشاه محمد ظاهر شاه محسوب می گردد،

که پس از گذشت یک دهه، خلع گردید. پادشاه سابق، ۲۸ سال را در تبعیدگاه ایتالیه به سر برده، از آنجا مشاهده می

کرد، که کشورش را جنگ به ویرانی و افسردگی و بروز رژیم اسلامی تند رو طالبان سوق داده است. ظاهر شاه در

سال ۱۹۱۴ در کابل متولد گردیده، در فرانسه تعلیم دیده است، فقط ۱۹ سال عمر داشته است، که در سال ۱۹۳۳

بر تاج و تخت، بعد از ترور پدرش، جلوس می نماید. بعد از جنگ دوم جهانی، که توانست، هر دو پدیده، یعنی بی طرفی افغانستان و حفاظت سرحدات آن را، تحقق بخشد، نیازمندی به تجدد (modernisation) کشور متوجه گردید. ظاهر شاه مشاورین خارجی را به کشور آورد، اولین پوهنتون «مدرن» را بنیاد نهاد. روابط فرهنگی و تجارتي را با اروپا تشویق نموده، پرورش داد.

در دوره پادشاهی او، افغانستان، یک مرحله ثبات را پشت سر گذاشته است. بناءً افغانستان به یک مقصد معروف برای مسافران غربی مبدل گردید، که از کوه های سنگی و آثار و بقایای تمدن های قدیم دیدار می نمودند. « در پای این عکس که قصر تخریب شده دارالامان را نشان می دهد، نوشته شده است که «قسمت های زیاد کابل، به همین پیمانانه تخریب شده است.» بنابر ارزیابی گزارشگر که می نویسد: «لیکن، بنابر تداوم نزاع تاریک، بین گروه های قومی در کشور در وسط تجدد»، موانع به وجود آمده است.

در همین منبع از مرحله سقوط «سلطنت» بدین متن معلومات می دهد که برای نسل جوان در کشور ما، عاری از مفیدیت خواهد بود: «در جولای ۱۹۷۳، زمانی که او در ایتالیه، تحت معالجه طبی چشم قرار داشت، ظاهرشاه، در نتیجه یک «کودتا» که توسط پسر عمویش، محمد داوود، طرح و عملی گردید، از قدرت بر انداخته شد. داوود مخالف تلاش هایش در جهت باز نگهداشتن کشور به سوی غرب، بوده است. از آن زمان به بعد، آخرین پادشاه ۲۰۰ - ساله، سلسله پادشاهی پشتون، در خارج از روم در یک «ویلا» (حویلی با باغ و احاطه) خاموش اقامت داشته است. به تعقیب سرنگونی سلطنت، اختلافات در بین گروه های قدرت بعدی کسب شدت نمود.»



این کشمکش ها و بحران به حدی به خرابی گرائید که «شوروی سابق در سال ۱۹۷۹ کشور را اشغال نمود تا به یک رژیم مارکسیستی ضعیف کمک کند، که سال قبل در نتیجه کودتا، قدرت را در دست گرفته بود.



با دوری قوای شوروی در سال ۱۹۸۹، کشور درگیر جنگ داخلی گردید. که بالاخره کابل در سال ۱۹۹۶ توسط طالبان اشغال گردید. با نشر عکسی سمت چپ از مجسمه «بودا» در با میان، حتماً خواسته است نشان دهد، که «طالبان آنرا ویران نموده اند.» در همین گزارش قبل از تدویر کنفرانس «بن» خبر دادند که: «پادشاه سابق در تبعید، گفته است که متمایل نیست که بازگشت فامیل خود را بر اریکه قدرت ببیند. اما حاضر خواهد بود به افغانستان برگردد، «در صورتی که در خدمت به مردم ما کمک شده بتواند.» از زبان پادشاه سابق هم چنان می نویسد: «که پادشاه سابق در تبعید، «تدویر لویه جرگه را پیشنهاد نموده است- مجلس سران اقوام، روشنفکران اسلامی و غیره چهره های با نفوذ - تا روی آینده کشور به مباحثه بپردازند.»

به ادامه از زبان جوانترین پسر «ظاهر شاه» به نام «میرویس»، که گویا در صحبت با اخبار «واشنگتن پست» گفته است، می نویسد که: «فامیل او می خواهد افغانستان را ببیند، که «در صلح به سر برده و مردم آن، حکومت خود را خود، با شیوه دموکراتیک و انتخابات آزاد، تعیین نمایند.»



پادشاه سابق خواهان آنست که اعمار دوباره کشورش را، به کمک مؤسساتی چون سازمان ملل متحد و اتحادیه اروپا، ببیند، به طور راسخ می داند که آینده کشور باید، تنها و تنها با

فیصله خود مردم آن تعیین گردد. در پای عکس سمت چپ از دامنه کوه، واقع در شهر کابل، نوشته اند که «سالیان جنگ کشور ا به فروپاشی و پراگندگی مواجه ساخته است.»



در جریان کار روز اول کنفرانس «پیترسبرگ - بن»، در حالی که نمایندگان «چهار گروپ» متذکره، مشغول بحث و مذاکره بوده اند، مقامات بلند پایه اضلاع متحده امریکا، مدعی شده بودند که گویا به تعداد ۴۰ مرکزی را در افغانستان تثبیت نموده اند که شبکه «القاعده» تحت رهبری «اساما بن لادن» در آن مراکز ممکن مشغول «تحقیقات» تولید سلاح های کشتار جمعی بوده باشد. رئیس فرماندهی مرکزی، جنرال «تومی فرانکس» (General Tommy Franks) در همان روز می گوید که این مراکز یاد شده، تحت کنترل «ضد طالبان» قرار

گرفته است. لیکن روشن ننموده است، که این «ضد طالبان» متشکل از کدام نیروها بوده اند. در عین زمان با اطمینان گفته است، که هرگاه «سلاح های کشتار جمعی» دریافت شود، نابود خواهند نمود، چنین سلاح ها را در افغانستان نخواهند ماند.

در همان روز در حالی که خبر های احتمال توسعه جنگ، در خارج از افغانستان نیز منتشر گردیده بود، بعضی از کشور های اروپائی، به خصوص المان و فرانسه از وضع نگرانی نشان داده، خطرات وقوع آن را هوشدار می داده اند. در رابطه با شورش در «زندان قلعه جنگی»، که در نزدیکی شهر مزار شریف، صورت گرفت و «صد ها طالب زندانی به قتل رسیدند»، «سازمان عفو بین المللی»، خواستار تحقیق و بازپرس از حادثه گردید. این شورش، که سه



روز دوام داشته است، پس از آن که «اتحاد شمال» تلفات معینی متحمل می گردد (رسماً از تلفات جانی، ۴۰ مرد مسلح اتحاد شمال، در حادثه شورش زندانیان طالب، در زندان «قلعه جنگی»، تذکار به عمل می آید)، بنابر راپور «بی. بی. سی»، به کمک قوای «امریکائی و انگلیسی» شورش سرکوب گردیده بود. از این حادثه، به عنوان «حمام خون» نیز یاد شده است.

در پای این عکس می نویسند که حال، زندان تحت کنترل «اتحاد شمال» در آورده شده است.

وقتی از محل واقعه و یا جنگ در احاطه زندان «قلعه جنگی» این شخص را شناسائی نمودند که تبعه امریکائی است،



«راپورتر» اظهار می نماید، که تمام اضلاع متحده، با دیدن «طالب امریکائی» تکان خورده است: «برای فامیل و دوستان یک مرد ۲۰ ساله امریکائی، تکانهنده بوده است، وقتی واقف می شوند، که او در صف طالبان جنگیده است» این شخص «جان فیلیپ واکر لیند» (John Philip Walker Lindh)، از جانب قوای شمال، در یک زیر زمینی که پر آب گردیده بود، شناسائی گردیده

است. این مرد ۲۰ ساله امریکائی، برای خود اسم «عبد الحمید» تعیین نموده است، بر حسب گزارش با طالبان، پیوسته بود، تا به آنها در استقرار یک «دولت خالص اسلامی»، کمک نماید. بعد از شناسائی، توسط کارمندان طبی

امریکائی، زخم هایش تحت معالجه قرار گرفت. او را در جمله سه تبعه‌امریکائی که زنده تحت حفاظت اتحاد شمال می‌باشند و در صف طالبان جنگیده، یاد کرد اند.

در عین حال، ضمن آن که از اختطاف و قتل «ژورنالستان» خارجی اخبار به گوش می‌رسد، به تاریخ ۲۸ «نومبر» ۲۰۰۱، برابر با روز دوم کنفرانس از تلف شدن اولین جنگی «اضلاع متحده» نیز اعتراف رسمی به گوش می‌رسد. این کشته شده امریکائی را که در عملیات مذکور سهم داشته است، یک افسر «سی.ای. ای»، به نام «جانی اسپن» (Johnny Spann)، یاد کرده اند. در همین گزارش همچنان از «پیشبرد عملیات سر پوشیده «سی.ای. ای» در داخل افغانستان نیز تذکر به عمل آمده است، که پس از ۷ اکتوبر، بیشتر به عملیات علنی نظامی منجر گردید.» از زبان شخص رسمی «سی.ای. ای.» همچنان گزارش می‌دهد که «به گروپهای مخالف»، نیازمندی های پولی و اسلحه در اختیار قرار می‌دهد، همچنان مصروف دریافت اطلاعات در باره محل بود و باش «بن لادن»، می‌باشند.

در جریان روز دوم کنفرانس، درست به تاریخ ۲۸ «نومبر» ۲۰۰۱، که حتماً مسؤولین «هیأت» شمال از وضع جنگ در داخل و پیشرفت های گروپهای آن، مطلع بوده اند، در همان روز «بی.بی.سی.»، در رابطه با خبر «قوای چند ملتی»، اطلاع می‌دهد که «اتحاد» با این قوا، «مخالفت» نشان داده است. خبر به طور روشنتر چنین ارائه شده است: «اتحاد شمال ضد طالبان، با پیشنهاد «قوای امنیتی چند ملتی برای افغانستان» مخالفت نشان داده است.» از زبان یونس قانونی نقل قولی را بدین متن منتشر ساخته است: «ما به قوای خارجی ضرورت احساس نمی‌کنیم. در آنجا امنیت برقرار است.» خلاف آن سازمان ملل متحد، و سه گروپ دیگر افغان که در مذاکرات شامل اند، از تمام جوانب می‌خواهند، که برای پذیرش «قوای ثبات دهنده» موافقت نمایند.

نماینده سازمان ملل متحد برای افغانستان، آقای «فرانسیس ویندریل» (Francisc Vendrell)، حتی «خیلی مهم» دانسته، هرگاه بر چنین «موافقتنامه» دست یابند. در عین زمان «ویندریل» علاوه می‌کند: «این که آیا به آن خواهند رسید، مربوط خود افغان هاست.» او به ادامه با این کلمات هم در اینباره اظهار می‌کند: «واضح است که ما قوای ثبات بخشنده را می‌خواهیم و به مثابه قوای بی طرف («نیوترال» به آن می‌نگریم.»

گزارشگر «بی.بی.سی.» می‌نویسد، که «آقای قانونی بعداً اعتراف نموده است، چون «اتحاد شمال»، «بزرگترین» گروپ است و حال کنترول کابل را در دست دارد، ممکن بعداً حاضر به صرف نظر از این موقف گردد» در جایی از شخص «قانونی» چنین نقل می‌کند که گفته است: «ممکن در اصول بخشی از یک «پکیت» وسیع صلح قبول گردد.» لیکن باز هم مدعی می‌گردد، که «هرگاه چنین قوای اختصاصی ضرورت شود، باید از جانب خود افغان ها تهیه شود». چنین موضعگیری مشابه را «حزبی» دیگر او، که سمت «وزیر خارجه» را به دست آورد، «عبدالله عبدالله» نیز زمانی اتخاذ نموده بود.

علاوه بر، چند دولت منطقه، طوری که در شماره های قبلی نیز یاد آوری شده است، همین منبع می‌نویسد که سازمان ملل متحد نیز برهان الدین ربانی را به رسمیت شناخته است. این قدم در حقیقت «تسهیلات فورمال» را برای آنها فراهم خواهد ساخت. در سال ۱۹۹۲، شنیده می‌شد که «حین انتقال قدرت»، به مشکل روبرو بوده اند. و وقتی رئیس جمهور وقت، در تحت شرایط غیر نورمال، به مقر سازمان ملل متحد، «پناه» برده بود، باید معاون اول رئیس جمهور، امور را به پیش می‌برد. برای کسانی غیر از رئیس جمهور که، متمایل بوده اند، قدرت را به حلقه معین بسپارند، بنابر «شرایطی» که معاون اول مطرح نموده بود، با موانع تخنکی حقوقی مقابل شده بودند. بعد از آن که «جلسه» مشترک «ولسی جرگه» و «مشران جرگه» آنوقت دایر گردید، گفته می‌شود که معاون اول، در بیانیه خود،

مطالبی را ذکر نموده بود، که برای حلقه جدید، خوش آیند نبوده است. اینبار شرایط کاملاً متفاوت بوده است. انتقال مقام از شخص به شخص به راحت انجام خواهد یافت.

وقتی به این اظهار آقای قانونی توجه نمائیم که می گوید: «**در آنجا امنیت برقرار است.**»، ممکن اولین روز های تصمیم وزارت دفاع المان را به یاد آوریم، که با همچو استدلال، تصمیم گرفتند، تا قوای آنکشور را به شمال بفرستند، گفته می شد که «**آنجا آرام است.**» در آغاز حتی برای «نظامیان» المان دستور روشن نبوده است، که «آیا در شرایط جنگ» قرار دارند و یا خیر، دومین وزیر دفاع «سوسیال مسیحی» این دستور را «تصحیح» نموده، هدایت داد که «**در شرایط جنگ**» قرار دارند. این که تا چه حد، ارتباطات مسؤولین «اتحاد شمال» و انتقال ارزیابی های احتمالی، مسؤولین آنها، بر برداشت های سیاستمداران آنوقت المان اثر گذاشته باشد، روشن نیست.

اینرا هم باید از نظر دور نداشت، که کنفرانس، در اوج عملیات نظامی قوای خارجی صورت می گرفته است، که «اتحاد شمال» استفاده اعظمی، در جهت تعمیق و توسعه مواضع حاکم در حکومت و اداره آینده، می نموده است، که در وزنه امتیازات بعدی هم، بی اثر نبوده است. در قسمت های قبلی هم، این حالت تحت غور بوده است. در روز دوم کنفرانس، از زبان «ویندریل» خبر داده می شود که موصوف «**هوشدار داده است، که توافق کامل نسبت به آینده افغانستان تا حال، به دست نیامده است.**» در عین زمان گفته است: «**علایمی به دست آمده است که بسیاری از اعضای هیأت موافقت نشان داده اند، که پادشاه سابق افغانستان، باید یک نقش سیاسی، الی ریاست یک حکومت انتقالی را، داشته باشد.**»



«رپورتر بی. بی. سی.، فیلیپا توماس» (Philippa Thomas)، که از سلسله صحبت ها گزارش داده است، می نویسد که ممکن است، «**اتحاد شمال، با یک نقش برای پادشاه سابق، پیش رود ولی این گروپ روی اینکه او شامل اداره انتقالی» باشد، فشار وارد نخواهد آورد.** همین منبع، از زبان «فاطمه گیلانی»، «**یک مشاور هیأت مهاجران مستقر در پشاور پاکستان**» می نویسد:

«**هر یک موافق است، بر طبق هر طرز العمل، او رئیس آن خواهد بود.**» به ادامه علاوه می کند: «**این که چه قدرتی خواهد داشت، ما باید روی آن بحث کنیم.**» ختم کار روز اول را همین مبصر، توأم با امید های زیاد برای «توافق»، روی «تشکیل حکومت انتقالی» ارزیابی نموده است.



به ادامه باز تکرار می نماید، که «طالبان» در کنفرانس «سهم» ندارند. بزرگترین هیأت را از «اتحاد شمال» شمرده است، که «دستاوردهای نظامی آن»، پروسه سیاسی را تحت تأثیر قرار داده است. از این وضع بیم آن را استنتاج می نموده اند، که «**تسلط اتحاد شمال بر اداره**» و یا «**خلای قدرت**» به وجود آید. «**زنان تقاضای حقوق بیشتر دارند.**» در بالای عکس زیرین نوشته



شده است: «**زنان خواهان شنیدن صدای آنهاست**» و در پای عکس از «نگرانی» آنها نسبت به آینده حکایت می گردد.

هیأت حال امیدوار اند، تا به مذاکرات مفصل تر در امر تشکیل حکومت انتقالی، به اساس پایه های وسیع قدم بردارند، که در آن تمام گروپ های «ایتنی» افغانستان سهم داشته باشند. پادشاه در حال تبعید و سازمان های زنان، در فضای تبلیغاتی نفوذ برجسته،

نشان می دهند. موضوع سخت تحت بحث دیگر، موضوع کنترول پایتخت، کابل توسط «اتحاد شمال» می باشد، که

بالمقابل «گروپ های» دیگر قوای چند ملیتی را «ترجیح» می دهند. در عین زمان، «کوفی عنان» سرمنشی سازمان ملل متحد در دیدار با جورج بوش رئیس جمهور امریکا، بر «ضرورت بهبود امنیت» تأکید ورزیده، سرمنشی در واشنگتن به طور مشخص اظهار می نماید که اضافه از ۷.۵ میلیون انسان به کمک، نیازمند اند.

آنچه توجه را به خود جلب نمود اینست که در روز دوم کنفرانس، شش کشور عربی خلیج، روی موضوعات افغانستان و شرق میانه، تشکیل جلسه داده گفته اند که متمایل اند، تا در رابطه با «ساختار افغانستان بعد از طالبان» حرف خود را بگویند. منابع انگلیسی روز چهارشنبه ۲۸ نومبر ۲۰۰۱ در حالی که جلسه «بین» در مورد آینده حکومت افغانستان، بعد از طالبان، جریان داشته است، خبر می دهند که عساکر برتانوی، در سرکوبی قیام زندانیان در قلعه جنگی مزار شریف یاری رسانیده، طیارات امریکائی را به اهداف زندانیان تحت محاصره رهنمائی کرده اند. در این حادثه از ۵۰۰ تن «طالب» زندانی کشته شده، در همین قیام نام می برند. گزارشگر پروگرام های پشتو و فارسی «بی. بی. سی»، باقر معین (Baquer Moin)، روز سوم کنفرانس درست مطابق ۲۹ «نومبر» ۲۰۰۱ خبر می دهد که این کنفرانس نقطه «عطف» در تاریخ افغانستان را نشان خواهد داد. آنچه عجیب به نظر می رسد، این است که این گزارشگر، از ۲۵ نماینده اشتراک کننده در کنفرانس، بدینترتیب، یاد آور می شود:

«۲۵ نماینده گروپ های «ایتنی» پشتون، تاجیک، هزاره و ازبک، با داشتن نظرات سیاسی مختلف» در بن گرد هم آمده اند، تا در باره آینده صلح آمیز افغانستان، تصمیم اتخاذ نمایند.

مناقشه و اختلاف در بین نمایندگان وقتی زیادت نشان می دهد، که صحبت آنها در رابطه با فیصدی قدرت آغاز یابد که کدام گروپ «ایتنی»، با چه فیصدی سهم باشد. در عین زمان در «راپور» خود می نویسد، که مفکوره «بزرگ نظیر صحبت در باره وحدت ملی، صلح، دموکراسی، حکومت قائم مقام (representative) و خواست عموم مکرراً شنیده می شد.»

در عین زمان تکیه کلام یا ضرب المثل مشهوری را به زبان آورده می نویسد: «شیطان هنوز در تفصیل نهفته است». در همین روز سوم کنفرانس همچنان از «تلاش های سازمان ملل متحد» در امر «تسریع پیرویه، از طریق ایجاد یک «ارگان طرح – پالیسی»، که در نقش خود باید اداره ای را به خاطر رهبری کشور تعیین نماید.» خبر می دهد. گزارشگر معتقد است، که این قدم امید را به سوی توافق به تشکیل «لویه جرگه»، که تعیین حکومت انتقالی را برای دو سال ممکن سازد، زنده می سازد. بعد از آن، قانون اساسی تصویب خواهد شد، که انتخابات برای اداره های دوامدار تدویر شده بتواند. بار دیگر می نویسد که «الاخضر ابراهیمی» برای رسیدن به اهداف این پلان، از چهار گروپ دعوت به عمل آورده است.» از جمله ۲۵ عضو کنفرانس، ۱۱ آن را از «اتحاد شمال» قلمداد کرده است. دومین گروپ خیلی مهم را، گروپ «روم» می نامد، که متشکل از هشت تن (در گزارشات قبلی، از ۱۰ نام برده شده بود). گفته است، که از جانب «ظاهر شاه، پادشاه سابق، ۸۶ ساله که در سال ۱۹۷۳ از قدرت برکنار گردیده است»، فرستاده شده اند. در جمله همچنان از دو گروپ «کوچکتر» دیگر که به نامهای، «گروپ قیرس» و «گروپ پشاور»، یاد شده اند، گزارش می یابد، می نویسد که هر یک ازین دو، سه نماینده، در این کنفرانس فرستاده اند. موانع و به اصطلاح «سنگ های «سرپولوک» خوردن» بین گروپ ها را موضوع «انتقال قدرت» در کابل دانسته است. سؤالی را مطرح نموده است که، آیا کابل یک «شهر نیوترال» تعیین خواهد شد و یا این که توسط پولیس «قوای چند – ملتی» اداره خواهد شد. همین ژورنالیست، از جریان کنفرانس در روز سوم، بار دیگر تذکر می دهد، که موضوع دیگر، عبارت از آنست که، چه «نقش»، اگر «کدام نقشی» در نظر باشد، «پادشاه سابق» ایفاء خواهد کرد، و یا این که «برهان الدین ربانی»، که «حکومت او تا اکنون از جانب سازمان ملل متحد، به حیث عضو به رسمیت شناخته

شده است، مقام خود را حفظ خواهد کرد و یا این که، دور خواهد شد.» به همان آهنگ تبلیغاتی که قبل از تشکیل کنفرانس، مطبوعات خارجی به طور هدفمند، در باره ترکیب «ایتنی»، تبلیغ می نمودند، همین خبر دهنده بار دیگر، نقطه پر جنجال را موضوع «فیصدی قدرت» تذکر داده، می نویسد که به هر یک از «گروپ های «ایتنی» و محلی»، مورد مناقشه خواهد بود. در عین حال تذکر داده است که ۲۰ کشور، «ناظر»، به شمول پنج کشور عضو دائمی شورای امنیت سازمان ملل متحد و همچنان شش کشور همجوار افغانستان، به سطح بلند تر، نمایندگان خود را



برای مشاهده اوضاع در محل تدویر، این کنفرانس فرستاده اند. «ائتلاف غربی» که در رهبری جنگ علیه «افراطیون» در افغانستان قرار دارند، بیشتر از هر یک دیگر «بیمناک» اند، تا این گروپ های «غیر متناسب» را در یک «وحدت نظر» در باره آینده کشور آنها بیاورند، تا بتوانند مانع آن گردند، که کشور دوباره به مرکز «تروریزم» و «تولید مواد مخدر» مبدل گردد. خبرنگار می نویسد که «گروپ پشاور» و «گروپ روم» متمایل بوده اند، تا «قوای چند ملتی» توظیف گردند. خلاف آنها، «اتحاد شمال» و



«گروپ قبرس»، عجله ندارند، مشخصاً بعد تر در نظر دارند. در عین حال در رابطه با علاقه مندی زنان در نمایندگی، به عنوان نمونه، این عکس را هم به نشر سپرده است. در این گزارش در باره سیاست اضلاع متحده و متحدان آن، تذکر به عمل می آورد که هر دو «قمچین و زردک» را آماده در دست دارند. «قمچین» یا «چوب» را به

مفهومی دانسته است که هرگاه کدام گروپ محروم از سهم در حکومت آینده بیرون آید، ممکن از همکاری دست بکشد. سهم در «زردک» را، حجم ۱۰ میلیارد دالر در اعمار مجدد افغانستان تلقی نموده اند. در اینباره فعالیت های مجموعی و «دیپلوماسی» بزرگ را نیازمند، می دانند، تا کشور را در جهت یک مرحله نوین حفظ نمایند.

در همین روز پنجم ۲۹ «نومبر» ۲۰۰۱ با نشر این عکس همچنان خبر می دهد که گروپ های افغانی در معامله باهم «نزدیکترکنار» آمده اند. اطمینان داده اند، که صدای همه جوانب شنیده خواهند شد. همچنان اطلاع داده شده است که «هر دو گروپ بزرگ در مذاکرات «بن» در مورد آینده افغانستان، روی شکل اساسی شورا برای اداره کشور، موافقت نموده اند. اما سخنگوی سازمان ملل متحد، احمد فوزی (Ahmad Fawzi)، یک ارزیابی «محتاطانه» ارائه داشته، گفته است، که در حال حاضر رسیدن به مجموعه ای از توافقات عاجل نیاز است، تا به یک عهد نامه برسند. از آدرس هیأت پادشاه سابق می نویسد: «اعلیحضرت به حیث رهبر معنوی مردم افغانستان در مرکز ثقل وحدت ملی قرار دارد»، شورای پیشنهادی، متشکل از حدود ۴۰ عضو، افغانستان را الی تشکیل حکومت انتقالی، اداره خواهد کرد.

همین خبر دهنده اظهار می نماید: «هیأت پادشاه سابق، خواهان آنست که، پادشاه سابق ظاهرشاه، را به حیث رئیس دولت داشته باشد.» لیکن موقف اتحاد شمال را چنین بیان می دارد: اتحاد شمال می گوید «البته شخصیت مهم است، نقش ایشان باید در «لویه جرگه» تعیین گردد، که قرار است در سال آینده تدویر گردد.» در عین حال اطلاع داده می شود، که «هیأت پادشاه، عدم موافقت خود را با «پلان»، عبور سیاسی به «دموکراسی» در دو مرحله نشان داده است.» «مایک ولدریچ» نماینده «بی. بی. سی.» در «بن» خبر می دهد که در مجموع سؤال اینست که آیا ترکیب حکومت موقت در المان نهائی خواهد شد؟

در شرایط و احوالی که کنفرانس «بن» جریان داشته است، همزمان، همین منبع در مورد جریان عملیات اضلاع متحده امریکا، که به عملیات علیه مواضع رهبران «طالبان» و «القاعده» آغاز نموده، به هدف این که، رابطه آنها را از قوت های آنها قطع نمایند، نیز خبر داده اند. در عین حال گزارش می گردد که در شهر قندهار، «طالبان» یک

مردی را، به اتهام جاسوسی، به امریکائی ها، «غر غره» نموده اند، که در نزدش تلفون «سته لایت»، یافته اند. در خبر دیگر، از انتقال کشته شدگان، «طالب» در زندان «قلعه جنگی» مزار شریف، توسط «صلیب احمر» بین المللی، گزارش می گردد.

ادامه دارد

۲۰۱۲/۰۴/۱۵